

# اصول، مفقود، ادعای موجود

## هشدار به آخرین ولیعهد

>مطلبی که همه درباره اش میگویند نمیتواند

یکسره بی اساس باشد ولی میتواند

کاملاً غیراصولی باشد<

بخش پانزدهم

## ظهور بردیا فرزند کوروش کبیر!

## فاش کن حیلت بد اندیشان

امیرفیض- حقوقدان

هیولای حيله وقتى قابل ملاحظه و شناسائى است كه حيله ها بهم آیند و آنرا بصورت عینى درآوردند. این تحریر در این مسیراست تا پازل هائی که بصورت واحد های کوچک حيله دراطراف نامه هشدار که درماهیت حکم محکمه صحرائى ظهور کرده است وجود دارد را شناسائی و آنها را متمرکز ساخته تا هیولای حیلت را درمقابل خود ببینیم.

### ماهیت فعالیت محکمه صحرائى (نامه هشدار)

بادقت درمراحل و مدارج فعالیت های مربوط به نامه هشدار، از اظهارات امید دانا قبل از انتشارنامه مزبور و پیامد های بعدی آن و گفتگوی اینجانب با آقای مصطفی عرب که یکی ازمدافعان آن معرکه است و همچنین مصاحبه رادیو تلویزیون ها با آقای بردیا پارس و بسیاری مراتب و ملاحظات دیگر، این دریافت کلی منظور میشود که فعالیت های یاد شده شباهت تامه ای به فعالیت های انتخاباتی همانند ریاست جمهوری دارد نه فعالیت سیاسی علیه جمهوری اسلامی؛ خاصه که آقای امید دانا صریحا اعلام کرده بود که فعالیت سیاسی نمیکند و فقط کار اطلاع رسانی (تبلیغاتی) میکند و درتطبيق مورد کمپین انتخاباتی میکنند.

اتفاقا نحوه فعالیت آقای امید دانا بسیار شبیه کار کسانی است که برای کاندیدای ریاست جمهوری سینه چاک میدهند و حنجره پاره میکنند، و اصرار ایشان به حضوراعلیحضرت درتلویزیون هم کاملا مشابه همان دیبیتی (مجادله) ای است که بین کاندیدا ها معمولا جریان دارد.

همانطور که درانتخابات ریاست جمهوری کاندیدا ها سعی میکنند قبل ازهرچیزی رقیب خودشان را بی اعتبار و از توجه مردم دور کنند و دراین راه ازهیچ اتهامی خودداری نمیکند (انتخابات پیش روی ترامپ و کلینتون) عین این جریان از قِبَلِ نزدیک به نامه هشدار و اثرات آن نامه که بصورت رای محکمه صحرائى اسباب بی آبرویی متصدی سلطنت ایران میشود، کاملا دیده میشود.

انسان درمقابل این سوال که اینهمه حمله و بستن اتهام دشمنی با موجودیت ایران به اعلیحضرت و تشبیه ایشان به پشه و عروسک و امثال آنها که کاملاً در گذشته بیسابقه بوده برای چیست؟

(درمورد تشبیه اعلیحضرت به پشه درتحریر اتی توضیح کافی داده خواهد شد)

## چاره حوئی کمبود

مشکل بزرگ طرفداران نظام پادشاهی این بود که، در صورتیکه از اعلیحضرت سلب امید کنند چه کسی میتواند پرچمدار تداوم سلطنت ایران گردد و اگر کسی هم نباشد که تداوم نمیتواند جریان یابد.

برنامه نامه هشدار (محکمه صحرائی) ضمن خارج ساختن اعلیحضرت از مدارحقوقی سلطنت پایگاهی که بتواند تداوم سلطنت ایران را حفظ کند معرفی کرد و آن شخص بردیا پارس است که بعنوان فرزند کورش بزرگ خود نامشده است و درشرائطی که کسی از خاندان پهلوی درمقام حفظ سلطنت سه هزار ساله ایران نباشد هیچکس شایسته تر از فرزند کورش کبیر که بنیان گذار شاهنشاهی ایران است نیست؛ و این فرد شایسته! (به ادعای شهرام همایون) که اکنون درمقابل اعلیحضرت قرار گرفته و اعلیحضرت را پشه مینامد، کسی جز بردیا پارس نیست (بردیا پارس نام فرزند کورش کبیر است).

این روشِ قلیلی از زورمندان گذشته بوده که رقبای مقابل خود را درحد ممکن تحقیر میکردند و حتی تحقیر پادشاهان را علامت اقتدار میدانستند، و اگر هم به آنها دست میافتند جنازه آنها را زیر زمین محل ورود به تخت سلطنتی دفن میکردند؛ (اقدامات جمهوری اسلامی و خلخالی نسبت به آرامگاه رضاشاه کبیر و تخت جمشید نمونه های سردست است).

## تحقیر در حد اعلا

اهانت بردیا پارس به اعلیحضرت رضاشاه دوم و یا بقول صلواتی ها (شاهزاده رضا پهلوی) دربرنامه آقای فرامرز فروزنده و تشبیه اعلیحضرت به پشه و عروسک هیچ چیز فوق العاده ای نیست؛ برنامه مبارزه با متصدی سلطنت هرگفتار و هرعملی را متوقع است به نوشته های جمهوری اسلامی نگاه کنید تائید خواهید کرد که دامنه اتهامات و اهانتها به شاهنشاه و خانواه پهلوی تا چه حد وسیع و ناجوانمردانه و حتی ناموسی بوده است و حتی چه کسانی که نان و نمک شاهنشاه ایران را خورده اند علمدار این فحاشی ها بوده اند (منوچهرگنجی- مسعود انصاری - نویسنده کتاب شاهد- هوشنگ نهاوندی و بسیاری دیگر) ولی آنچه غیرقابل تحمل است اینکه تاکنون این چنین تحقیری یعنی اعلیحضرت را تشبیه به پشه کردن که یکی از مفاهیم آن انزجار هر انسانی از پشه است و تلف ساختن آن تکلیف و عادت انسانهاست، به هیچ ایرانی نسبت داده نشده که بردیا پارس شایسته نماد ملی و هویت ایرانی راپشه دانسته است؛ واقعا مانده ام چه طلسمی درجریان است که حتی کسانی که اعلیحضرت را شاهنشاه مینامند در این زمینه ساکتند و بطور ضمنی قبول میکنند که شاهنشاه آنها پشه است. همین آقای مصطفی عرب که شهرام همایون از ایشان یک شخصیت کاملاً استثنائی در هواداری از اعلیحضرت ساخت متوجه هست که ایشان یعنی آقای عرب میشود هوادار پشه.

## بردیا پارس کیست

بردیا پارس نام فرزند کورش کبیر است. نام مستعار که قحط نیست؛ چرا نام بردیا پارس انتخاب شده؟ جواب حاضر است؛ زیرا مسئله مطرح، پادشاهی است و اسناد تاریخی و گرایشهای فرهنگی ملت ایران گواه است که هرکس خواسته است در مقام سلطنت قرار گیرد و یا پادشاه مبارزه و منازعه کند ناچار خود را بطریقی با شاهان مقتدر ایران پیوند زده و یا به ملاحای مذهبی متکی شده است و انتخاب نام بردیا پارس که نام فرزند کورش کبیر بوده است بهترین و محکم ترین طریق بستگی و جلب اعتماد و راحتی خیال طرفداران سلطنت خواهد بود که اگر رضایهلوی نیست بردیا پارس فرزند کورش کبیر هست.

آیا تصور میفرمائید که اگر بجای نام بردیا پارس از نام مثلا علیخان قلندری و یا مشابهات آن استفاده میشد گرایشی که نام بردیا پارس دارد میداشت؟

یکی از بزرگان توصیه کرده است که تا چیزی جایگزین نیافته اید چیزی را که دارید از دست ندهید؛ استاد همایی استاد دانشگاه تهران هم بیٹی دارد که میگوید:

طفلك تا نبیند سببى ندهد پیازگندیده از دست

حالا جریان نامه هشدار و پیامد آن که به حکم عدم لیاقت و دشمنی اعلیحضرت با موجودیت ایران ختم شده است بقول استاد همایی وقتی است که مردم سبب گندیده! را از دست بدهند.

در برنامه آقای شهرام همایون، دیدم وقتی آقای همایون خطاب به بردیا گفت نام شما بردیا پارس است ایشان فوراً واکنش نشان داد و گفت خیر بردیا پارس است. زیرا نام فرزند کورش بردیا پارس بوده نه بردیا پارسى. عجیب اینجا بود که ایشان یعنی بردیا پارس نام حقیقی و سن خودش یادش نبود ولی حفظ حساسیت روی کلمه پارس و پارسى یادش بود.

بردیا پارس نمیخواهد با اعلام نام واقعی خود اولاً برخی از کنجکاوی ها انجام شود و دوم اینکه حضور نام واقعی، بر مجازی بودن نام بردیا پارس میافزاید و آنطور که باید نام بردیا پارس میدان بلامتنزاع بدست نمیآورد.

هرچه آقای شهرام همایون اصرار کرد، آقا پسر- کورش کبیر! تن نداد و به معاذیر مختلف حاضر نشد که سن و نام واقعی خودش را بیان کند.<sup>۱</sup>

## آخرین ولیعهد

در تحریرات قبلی (اصول مفقود) این سوال مطرح شد که چرا خطاب نامه هشدار، (آخرین ولیعهد است) و مقصود از آخرین ولیعهد کیست؟ کسی از امضا کننده ها جوابی نداد و پاسخی داده نشد؛ اکنون جواب آن این است:

<sup>۱</sup> - در برابر پرسش شما چند سال دارید؟ بردیا پارس حاشیه پردازی کرد و گفت: «چون مجبور بودم برای بیرون آمدن از ایران شناسنامه را عوض کنم. و تاریخ آنرا دستکاری کرده اند....» (به مضمون) موضوع را لوٹ کرد و آقای همایون از پرسش گذشت. ح-ک

در یکی از برنامه های گفتگوی اعلیحضرت وشهرام همایون؛ اعلیحضرت درمقابل این سوال که ولیعهد ایران کیست؟ اعلیحضرت از والاحضرت شاهدخت نور یاد فرمودند وهمین اشاره از ارکان لازم برای حفظ تدام مشروعیت سلطنت پهلوی است.

انتخاب عنوان آخرین ولیعهد برای اعلیحضرت از طرف بردیا پارس که نویسنده نامه معرفی شده به این مفهوم است که ولیعهدی والاحضرت نور فاقد اعتبار است و آخرین ولیعهد همین والاحضرت رضا پهلوی است، تا بدین تریب ختم سلطنت پهلوی ها با سلب اعتبار از اعلیحضرت با حکم محکمه صحرانی پایان یافته تلقی گردد و حتی مانع ضعیفی درمیدان داری بردیا باقی نماند.

**هنگامیکه با آقای مصطفی عرب صحبت میکردم؛ وقتی درمقابل اصرار ایشان به لزوم کنار گذاشتن اعلیحضرت؛ گفتم، خوب ایشان را کنار گذاشتید چه خواهید کرد و جای ایشان چه کسی خواهد بود خطاب به من گفتند «شما مصاحبه بردیا پارس را شنیدید»؟ بنده عرض کردم خیر، مشکل داشتیم و دیگر ایشان درباب بردیا چیزی نگفت ومن هم متحمل موضوع نشدم تا بعد در جریان بردیا قرار گرفتم.**

**در جریان صحبت با آقای عرب یکبارهم توجه دادند که مگر پدر رضاشاه، شاه بود؟ که البته بنده هم توضیحی دادم ولی متوجه نشدم که آیا بدون اینکه بنده در جریان ظهور فرزند کورش باشم آقای عرب در جریان ظهور و یا خواب نمای فرزند کورش بوده اند یا خیر؟**

این موضوع ممکن است این هدایت را بدهد که نامه هشدار که دقیقا سلب صلاحیت از اعلیحضرت است با علم به اینکه شخص دیگری برای پرکردن خلاء پادشاهی ظهور کرده است به جریان افتاده است زیرا معقول نیست که عده ای سلطنت طلب بدون اطمینان از دریچه ای که ممکن است بسوی نور سلطنت باز شود مشعل سلطنت قانونی ایران را با چنین حکمی خاموش کنند.

## رفع نگرانی ها

از سالهای نخست مبارزه انتقادات نسبت به اعلیحضرت از باب بی اعتنائی به تکالیف مقرر در قانون اساسی و اظهارات ملال آور ایشان نسبت به تداوم سلطنت وامثال آن ها یک لحظه قطع نمیشد، ولی در مقابل این اظهار که با کناره گیری ایشان چه جایش خواهید داشت، جز سکوت با پاسخی روبرو نمیشدیم، تنها موردی که ثبت در تاریخ مبارزه است اقدام سرهنگ مدنی مدیرنشریه گام است که مدعی شد؛ «مجلس مهستان پادشاه جدید ایران را انتخاب کرده وایشان اکنون در ایران تشریف دارند و از من (سرهنگ مدنی) نخواهید که اورا معرفی کنم»

معمولا درمقابل کسانی که حذف اعلیحضرت را مطرح میکردند این بیت را سنگر به آنها میگفت: >..... غیر از آن نیست چراغی که توسل جوئیم.<

اما حالا ظاهراً نمیتوانیم! آن بیت را مستمسک قرار بدهیم، زیرا فرزند کورش کبیر بردیا پارس! که هرچه باشد بر فرزند شاهنشاه ایران که تفاوتی بین سلطنت و جمهوری قائل نیست وووووو و ادعاینامه ای هم علیه شان صادر به حکم رسیده رجحان دارد، ظهور کرده است؛ خاصه اینکه او که اکنون خود را در صحنه شاهنشاهی ایران ظاهر ساخته حرفهائی میزند که آلودگی های گذشته و تاسف های سلطنت طلبان را هم تسکین میدهد. و آنقدر هم به خود متوکل است که اعلیحضرت را پشه و عرسک میدانند.

ای مگس عرصه سیمرخ نه جولانگه تست عرض خود میبری وزحمت ما میداری

لازم نیست تا بردیا پارس اعلام کند که بنده آمده ام، شاه بشوم خیر همه ایرانیان که کورش را پدر سلطنت ایران میدانند بی نیاز از هرتوجهی فرزند او را بشایستگی تصدی سلطنت ایران قبول دارند و به مصداق <پسرگردارد نشان از پدر توبیگانه خوانش نه پسر> همه وجنات شاهنشاهی کورش کبیر را در جنبه فرزند او بردیا پارس که ظهور کرده است میبینند و اساساً در خلاء پادشاهی همه چشم ها بسوی پادشاه آینده است.

### تحلیل ها از بردیا غاصب

عجیب اینکه بموازات ظهور فرزند کورش کبیر (بردیا) تبلیغ روی بردیای قلبی بصورت زنده همراه با تحلیل ها و خیرمقدم ها و افسوس از تاخیر ظهور او جریان یافت، درست موضوع محمد رضا مدحی و همین شهرام همایون را بیاد آورد. اگر فرصتی بشود و جریان تحلیل شهرام همایون از مدحی ارائه گردد خواهید دید همانطور که شهرام، به همراه نوریزاده مدحی را نمیشناخت و کلی از او تحلیل کرد، همین برنامه را در حد غیر قابل قبول نسبت به بردیای قلبی که حتی سن و نام او را هم نمیدانست اجرا کرد و با چه افسوسها که از این مرد ظهور یافته در گذشته استفاده نشده است، او را با داریوش همایون برابر کرد.

### عقلمان اجازه نمیدهد

آقای امید دانا در برنامه ای که مورد نقد تحریرات هم قرار گرفت گفت: عقلمان اجازه حمایت از ایشان و تائید ایشان (مقصود اعلیحضرت است) را نمیدهد. استفاده امید دانا از واژه جمع «عقلمان»، گویای آن است که تصمیم مزبور تصمیم یکنفره خودش نیست، جمعی که حداقل آن دو نفر است، به نتیجه مزبور رسیده اند و در واقع همان کسی که حکم محکمه صحرانی دایره محکومیت اعلحضرت را صادر و جاری ساخته اند، نفر دوم یعنی بردیا پارس همفکر ایشان در این مقوله بوده است.

این عقول کل! که یکی از آنها امید دانا و دیگری بردیای قلبی است، نمیشود گفت سر به هوا >تها امید شان به نجات ایران را (بیان امید داناست) < از پایگاه امید فروکشیده و به اتهام دشمنی با موجودیت ایران به فنای وجودیش رای داده اند، آنها با آگاهی از ظهور فرزند کورش کبیر بوده اند که به چنین مهمی اقتدا کرده اند.

والا دشوار است قبول کنیم کسانی که در آن حد خودشان را صاحب عقل و تدبیر میدانند، حمایت و تائید اعلیحضرت را منقطع کنند و فکر بعش را نکرده باشند. مثال اول چاه و منار را فراموش کرده باشند.

## نام مستعار

گرچه وقتی کسی نام واقعی خودش را نداند و یا نخواهد اعلام کند نامی که برای خودش انتخاب کرده نام واقعی او محسوب است اما:

هرکس آزاد است که هر نام و یا علامتی را برای معرفی خود انتخاب نماید ولی مشروط بر اینکه نام انتخابی سبب اغوای مردم به جانشینی شخصیت و یا استفاده از اعتبار دیگران و یا فریب مردم نشود.

یادم هست که چندسال پیش از شورش ۵۷ یکی از افراد خاندان دیبا در خیابان ثریای تهران یک بوتیکی باز کرده بود که روی تابلوی آن بوتیک نوشته شده بود (بوتیک نمره یک) بوتیک داران تهران به ادعای اینکه بوتیک نمره یک یعنی واقعا از نظر محصولات نمره اول است باعث اغوا و فریب مردم میشود، به شکایت از او برخاستند.

## **نام بردیا پارس که به عین نام فرزند کورش کبیر است یک سوء استفاده از نام و شخصیت کورش**

**کبیر است و بطور حتم باعث اغوای مردم خواهد شد؛** و درست مانند آن است که کسی ظاهر شود بنام امام زمان؛ البته که مدتی طول خواهد کشید که حیلت او فاش شود. در حالیکه مردم ایران منتظر یک ناجی هستند (بیان اعلیحضرت) ظهور بردیا پارس فرزند کورش کبیر راه توجه به او را هموار میسازد آنهم در شرائطی که اعلیحضرت از یکطرف به حکم محکمه صحرانی به دشمنی با موجودیت ایران با تانید ۵۲ نفر محکوم شده و از سوی دیگر از طرف همان بردیای قلبی به پشه تشبیه گردیده و صدای اعتراضی هم بلند نشده است.

**حاشیه =** دیدم آقای مصطفی عرب به جاوید ایران سخت خرده گرفته بود که چرا بجای نام حقیقی از ح-ک استفاده میکند؛ گرچه ح-ک نام مستعار نیست و استفاده از حروف اول نام و نام فامیل است و از روش های اختصار استفاده از نام شناخته میشود ولی حیرتم آنجاست که همین آقای عرب کوچکترین اعتراضی نکرده که این آقای بی هویت، پسر کورش که یک دفعه ظهور کرده و نام خود را بردیا پارس گذاشته و اعلیحضرت را پشه نامیده نام حقیقی اش چیست (پایان حاشیه)

## تجلیل ها

یکی از ابزارهای مهم برای حرکت سیاسی بردیای غاصب، علاوه بر محکوم و بی اعتبار ساختن اعلیحضرت رضاشاه دوم تجلیل و بزرگ کردن بردیای قلبی، هم کاملا لازم است، زیرا وقتی بد معرفی میشود خوب آنرا هم باید معرفی کرد (فعالیت های انتخاباتی) و گرنه نقض غرض محسوب است و این مهم را برخی از رسانه های ایرانی مقیم خارج مانند شهرام همایون و مسعود صدر و فرامرز فروزنده (تا آنجا که بنده در جریان قرارداد شده ام) در حدی بیسابقه عهده دار شده اند که خود نیاز به تحریرات مکمل دارد.

هرچه شهرام همایون اصرار کرد که نام حقیقی بردیا غاصب چیست بردیا اعتنا نکرد من در شهرام همایون این چنین قلاب سنگ شدن را ندیده بودم که در مصاحبه با بردیای غاصب دیدم؛ بردیا در مقابل پرسش شهرام همایون که بردیا داریوش همایون را میشناسد یا خیر بردیا ذل ذل به شهرام همایون نگاه کرد

ودمی برنیاورد، بنظر میآید که بردیا لازم نمیدانسته که داریوش همایون ویا کسان دیگری را بشناسد این ایرانیان وکسان هستند که بردیا را باید بشناسند که پسرکورش است و ظهور کرده، نه اینکه بردیا مردم را یکایک با سوابقشان بشناسد، نمیدانم شهرام همایون این نکته را درک کرد ویا آنرا به حساب جوانی و کم تجربه بودن بردیا در مبارزه گذاشت، ولی این اشاره بجاست که ذل ذل نگاه کردن بردیا وسکوت او به این معنا بوده که سوال بی معنایی است؛ داریوش همایون و همه ایرانیان هستند که باید مرا (بردیا) را بشناسند نه من دیگران را.

### هدیه به بردیا قلابی

شتردرخواب بیند پنبه دانه      گهی لف، لف خورد گه دانه، دانه